

PSYCHOLOGY OF TERRORISM

روانشناسی تروریسم



تروریسم چیست؟

• شیوه ای از ایجاد وحشت و اقدامات خشونت آمیز که برای رسیدن به هدف خاصی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی) و در جایی خارج از هدف اصلی انجام میگیرد. قربانیان آن اغلب به صورت تصادفی انتخاب می شوند و صرفاً به عنوان یک پیام رسان در نظر گرفته می شوند. در واقع تروریسم کاربرد هراس برای رسیدن به اهداف است که معمولاً این هراس با زور، خشونت یا تهدید های خشونت آمیز ایجاد می شود. ایجاد یک نوع جنگ روانی با ایجاد هراس و خشونت در قربانیانی که هدف اصلی نیستند. معمولاً در تروریسم هدف کشتن نیست و کشتن فقط برای ایجاد تاثیر در دیگران انجام می شود.

اهداف تروریسم

- تروریسم اهداف گوناگونی دارد: سیاسی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، جنایی، روانی یا می تواند مخلوطی از چند هدف داشته باشد.
 - در کل تروریست ها را میتوان براساس اهدافشان به سه دسته تقسیم کرد:
1. تروریست های سیاسی - مذهبی
 2. تروریست های جنایتکار
 3. تروریست های دارای آسیب روانی

روانشناسی و تروریسم

• بی تردید تروریسم یکی از جدّی ترین تهدیدها در محیط امنیت ملی به شمار می رود که منابع قابل توجهی را به خود اختصاص داده و ضربه های بسیار جدّی را متوجه کشورها کرده است. گر چه تلاشهای بسیاری برای درک تروریسم و رفتار خشونت بار تروریستها صورت گرفته، ولی این تلاشها اغلب فاقد پایه و اساس مفهومی برای درک تروریسم بوده و این خلأ باعث ایجاد چالش جدّی در بسیاری از سطوح، از تصمیم گیری تا نحوه پاسخگویی یک کشور در برابر تروریسم می شود. علم روان شناسی در این عرصه سعی کرده است تا با ارائه چارچوب تحلیلی، به درک تروریسم کمک کند. گر چه یک روش معرفی مانند تمام روشهای درک یا تشریح رفتار انسان، دارای مزایا و محدودیتهایی است، با این حال، از آنجا که روان شناسی به عنوان علم رفتار انسانی تعریف شده، لذا یکی از مسیرهای عقلایی و سودمند برای بررسی پدیده تروریسم محسوب می شود.

• بر اساس یافته های تحقیقات معاصر، سه عامل بی عدالتی، هویت و تعلق داشتن، به همراه هم در تروریست ها مشاهده می شود که تأثیر زیادی بر تصمیم گیری افراد برای ورود به سازمانهای تروریستی و دخالت در فعالیتهای تروریستی دارند. این تحقیقات گویای آن است که علت اصلی تحریک روانی برای پیوستن به گروه تروریستی، نیاز شدید به تعلق داشتن و نیاز به تحکیم هویت فرد است. در نتیجه، نیاز به تعلق داشتن به همراه هویت شخصی ناقص، عامل مشترکی است که در درون گروهها وجود دارد.

هیچ پاسخ ساده یا انگیزه واحدی برای تشریح علت تبدیل شدن افراد به تروریست وجود ندارد. به همین ترتیب، فرایندها و مسیرهای نحوه ایجاد در این وضعیت کاملاً متنوع و متفاوت هستند. پژوهشگران، تمایز میان دلایل پیوستن، باقی ماندن و ترک سازمانهای تروریستی را آغاز کرده و دریافته اند که انگیزه ها می توانند در هر مرحله متفاوت بوده و لزوماً ارتباطی هم با هم نداشته باشند. ظاهراً نقاط آسیب پذیری و مشاهدات مشترکی در میان کسانی وجود دارد که به تروریسم روی می آورند که عبارتند از: مشاهده بی عدالتی، نیاز به هویت و نیاز به تعلق داشتن، اما افرادی هم وجود دارند که دارای همین ویژگی هستند، ولی تروریست محسوب نمی شوند.

• آنچه مسلم است محدودیت انجام تحقیقات روانشناسی در مورد تروریست ها در موقعیت های مختلف باعث شده در خصوص اختلالات روانی این افراد نتوان به طور صریح سخن گفت ، ولی با توجه به عدم قطع ارتباط با محیط در این افراد زدن برچسب دیوانه به معنای عام و بیماران سایکوتیک به معنای خاص برای این گونه افراد تقریبا غیرممکن است. البته تحقیقات نشان داده که در تروریست های آنارشستی نمونه های بسیاری از این گونه بیماران دیده شده است. در برخی از گروه های تروریستها نیز انواع بیماریهای روانی دیده شده است ولی وجود بیماری در این افراد علت بروز اعمال خشونت بار توسط آنها نمی باشد. در ادامه به برخی از اختلالات روانشناختی که بر اساس نظریه های موجود روانشناسی و مطالعات انجام شده در تروریست ها بیشتر دیده میشود اشاره می کنیم.

● **اسکیزوفرنی:** فقدان رابطه عاطفی با دیگران، تمایل به بروز خشونت (تمایل به استفاده از سلاح های کشتار جمعی) و وجود حالات پر خاشگری از نشانه های مشترک این بیماران و تروریست ها می باشد. با توجه به تحقیقات انجام شده از علل بروز این بیماری می توان به عدم دسترسی به رفاه و آموزش مناسب، موقعیت های استرس زای اجتماعی، حقارت و عدم پذیرش اجتماعی را نامبرد که وجود این عوامل در پیوستن افراد به گروه های تروریستی نقش بسزایی دارد. (مانند جدایی طلبان باسک)

● **پارانوئید:** پیدایش تدریجی یک نظام فکری هذیانی با طیف گسترده و توسعه یافته که بر اساس تعبیر اشتباه از وقایع و حقایق زندگی استوار است. بیمار پارانوئید اگرچه از یک نظام فکری گسترده هذیانی رنج می برد، ولی از هم پاشیدگی شخصیت و تفکر و رفتار در او مشاهده نمی گردد. بسیار خود شیفته و خود مدارند، خشم خود را انکار کرده و برای تخلیه آن از مکانیسم های برون فکنی استفاده می کنند. خود را برتر از دیگران فرض می کنند. که در مطالعات انجام شده در زندگی و اعمال تروریست ها گزارش های زیادی از وجود این علائم در آنها مخصوصا برخی از رهبران تروریسم های جهان به ثبت رسیده است.

● **خودشیفتگی:** توقف در مرحله خود به این معنی که در این افراد لیبیدو مراحل تکوین خود را طی نکرده است. نوعی اختلال عاطفی است که به دلیل عدم همدلی والدین مخصوصا طرد مادر در دوران کودکی بوجود می آید. از علائم بارز این اختلال شخصیت شامل احساس شدید خود مهم بینی و شاخص بودن، تخیلات شدید و دائمی درباره موفقیت هایی در زمینه قدرت ثروت هوشمندی و عشق های ایده ال، احتیاج شدید به خودنمایی و جلب توجه دیگران، استثمار دیگران دسته بندی دیگران به دو گروه بد و خوب و داشتن تفکر دوقطبی به این معنی که در جهان اطراف فقط دو قطب خوب و بد وجود دارد. این بیماران دلایل شکست ها و عدم موفقیت خود را به عوامل بیرونی نسبت می دهند. این علائم در اختلال شخصیت مرزی و خودشیفته وجود دارد. و در تروریست ها به وضوح دیده می شود.

● **اختلال شخصیت ضد اجتماعی:** رفتارهای ناگهانی ولذت طلبانه آنی و توأم با گرایش شدید خودمداری، خودخواهی، عدم وفاداری یا تعهد اخلاقی شکستن قوانین اجتماعی، نبودن احساس شرم یا گناه در آنها، آستانه تحمل محرومیت پایین و مقصر دانستن دیگران در بروز رفتار خود از علائم این اختلال است که در ترورسیت ها به وضوح دیده می شود.

● **اختلال شخصیت غیر اجتماعی :** این افراد مقررات و موازین جامعه را رعایت نمی کنند، در محیط های ناسالم پرورش یافته اند و فقط به گروه های تروریستی پایبندند. در این افراد با توجه به اینکه هیچ گونه رفتار یا علائم بیمار گونه روانشناختی ندارند احتمال بازگشت به اجتماع زیاد است. در واقع تاثیر محیط ناسالم باعث جدایی اینها از جامعه شده که با انجام اقدامات مناسب می توان آنها را به اجتماع باز گرداند.

علل روانشناختی تروریسم

• اختلال در تفکر:

این اختلال به شکل های گوناگون دیده می شود. در یکی از آنها فرد تفکر انتزاعی و قدرت تعمیم فکر را ندارد. ذهنیتشان از دنیا با واقعیت و آنچه در عالم خارج وجود دارد متفاوت است. از آنجایی که تروریست ها نظر شخصی خود را از دنیا صحیح می دانند. بر همین مبنا عمل می کنند و مرتکب اعمال تروریستی می شوند.

• عدم ارضای نیازها:

در اقدامات تروریستی مانند هر رفتار دیگری انگیزه یا انگیزه هایی نهفته است که حاکی از وجود نقص در نیازهای ارضاء نشده ای است که سرانجام روزی به صورت خشونت، تخریب، ترور و... سربرآورده است. تعدادی نیازهای ذاتی وجود دارند که فعال کننده رفتار آدمی است. این نیازها هر چند غریزی هستند اما موجب بروز رفتارهایی اکتسابی می شوند. تا زمانی که نیازهای قاعده هرم تأمین نشود، نیازهای رأس آن تجلی نمی یابد. نیازهای قاعده هرم که از نیازهای اساسی محسوب می گردند باید ارضاء شوند چرا که ناتوانی در برآورده کردن آنها نوعی نارسایی در افراد ایجاد می کند؛ به همین خاطر به این نیازها، نیازهای کمبود یا نارسایی نیز گفته می شود. در مقابل به نیازهای بالای هرم، که ضرورت کمتری دارند و می توانند به بقا و رشد انسان کمک کرده و موجب طول عمر و سلامتی شوند. نیازهای رشد یا بودن گویند.

● **نیازهای فیزیولوژیک:** عده ای از روانشناسان معتقدند عدم ارضای نیاز جنسی در زنان و مردان موجب بروز تمایلات پرخاشگرانه و شرکت در اعمال تروریستی انتحاری می شود. البته به دلیل عدم انجام تحقیقات کافی در این زمینه این نظر مبنای علمی کافی ندارد.

● **نیاز به ایمنی:** ارضای این نیاز مستلزم امنیت، ثبات، حمایت، نظم و رهایی از ترس و اضطراب است و در کودکان به وضوح مشاهده می شود. وابستگی کودک به والدین و ترس وی از امور خارجی نشانگر نیاز وی به امنیت است. رشد شخصیتی سالم و بهنجار در گرو ارضای نیاز به ایمنی و عدم ترس کودک است. تنبیه های بی دلیل، با تبعیض قائل شدن بین فرزندان، بدقولی، رفتارهای غیرعادی، تحقیر، تمسخر و منزوی کردن کودک، احساس ایمنی وی را از بین می برند و احساس تنفر و دشمنی را در وی بوجود می آورند. این تنفر واپس رانده به صورت اضطراب اساسی بروز می کند و این اضطراب اساسی به صورت احساس فراگیر، مخفیانه و فزاینده تنهایی و درماندگی در یک جهان متخاصم نمود می یابد.

● **نیاز به تعلق داشتن:** با برآورده شدن نیازهای فیزیولوژیک و ایمنی، حس تعلق داشتن در فرد ایجاد می شود و به شکل های گوناگون نمایان می شود. از طریق روابط دوستانه با دیگران، شرکت در گروه و...، شخص کوشش های فراوانی انجام می دهد تا موجب ارضای احساس تنهایی و از خودبیگانگی شود. انگیزه تروریست ها عمدتاً نیاز به تعلق داشتن، نیاز به کسب هویت، تمایل به پایگاه اجتماعی و... است. جستجوی هویت، ممکن است اشخاص را به سوی سازما نه های تروریستی یا افراطی به طرق گوناگون بکشاند؛ درواقع، هویت اشخاص، در هویت گروه ظاهر می شود.

● **نیاز به احترام و غریزه شهرت:** بعد از ارضای نیاز به محبت و احساس تعلق؛ نیاز به احترام در شخص ایجاد می شود، حال شخص تشنه احترام هم از سوی خود به صورت خود ارزشمندی و هم از سوی دیگران به شکل مقام، شناخته شدن، موفقیت اجتماعی، شهرت و... هست. دو نوع نیاز به احترام وجود دارد: یکی نیاز به عزت نفس و دیگری نیاز به احترام از سوی افراد دیگر. ارضای این نیاز هم می تواند به صورت فردی باشد و هم به صورت جمعی و گروهی انجام شود.

در پایان:

• رفتار انسان نشأت گرفته از نیازهای درونی است؛ اختلال در ارضای این نیازها موجب نوعی سرخوردگی یا تلاش برای ارضای آن خواهد شد. تلاش برای ارضای نیازها می تواند انسان را به خشونت ورزی و بروز حوادث ناخوشایند سوق دهد. تحقیقات میدانی نشان می دهد که وجود بیماری روانی بیشترین تأثیر را در تروریست ها برای خلق حملات تروریستی دارد. پیشگیری از تروریسم مستلزم بهداشت و سلامت روانی جامعه است؛ لذا از سیاست های پیشگیری از تروریسم، ترمیم وضعیت آسیب دیدگان روحی و روانی و اعاده سلامت روحی و روانی درون جامعه است و به صرف مجازات تروریست ها نمی توان به پیشگیری از تروریسم دست یافت.

منابع

- J., VICTOROFF, “**THE MIND OF THE TERRORIST: A REVIEW AND CRITIQUE OF PSYCHOLOGICAL APPROACHES**”, *THE JOURNAL OF CONFLICT RESOLUTION*, 2012.
- R.A., HUDSON, “**THE SOCIOLOGY AND PSYCHOLOGY OF TERRORISM: WHO BECOMES A TERRORIST AND WHY?**”, *FEDERAL RESEARCH DIVISION, LIBRARY OF CONGRESS*, SEP 1999.
- H., ZINN, “**TERRORISM AND WAR**” , FIRST EDITION , 2002.
- L., VIDINO, “**THE CAUSES AND PSYCHOLOGY OF TERRORISM**”, *INTERNATIONAL RELATIONS AND SECURITY NETWORK (ISN)*, 2012.
- D.C., HOFFMAN, “**THE PSYCHOLOGY OF TERRORISM FEARS**”, *DEPARTMENT OF SOCIOLOGY AND LEGAL STUDIES , UNIVERSITY OF WATERLOO , ONTARIO , CANADA*, 2013.